

The effectiveness of Training based philosophy for children on psychological flexibility and social performance in children with separation anxiety disorder

Gholamreza Mohammadi 

PhD Student in General Psychology, Islamic Azad University, Arak Branch, Iran.

Zabih Pirani *

Assistant Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Arak Branch, Iran.

Firoozeh Zangeneh motlag 

Assistant Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Arak Branch, Iran.

Abstract

Children with separation anxiety disorder have many problems in their mental health and social life. The aim of this study was to evaluate the effectiveness of Training based philosophy for children on psychological flexibility and social performance in children with separation anxiety disorder aged 6 to 12 years with separation anxiety disorder. Research method in this study; The quasi-experimental was pretest and posttest with the control group. The statistical population was all children referred to Shamim Counseling Center in Kermanshah in 2019-2020. The sample group consisted of 20 children with separation anxiety disorder. The sample was selected by purposive sampling and random sampling. The sample group consisted of 20 children with separation anxiety disorder. The sample was selected by purposive sampling and random sampling. First, separation anxiety questionnaires (Han et al., 2003), Matson's social skills (Matson et al., 1983) and the Wisconsin card classification test (Grant and Berg, 1948) were administered to both groups (pretest). The participants in the intervention group then received Training based philosophy for children in

* Corresponding Author: z-pirani@iau-arak.ac.ir

How to Cite: Mohammadi, Gh., Pirani, Z., Zangeneh motlag, F. (2021). The effectiveness of Training based philosophy for children on psychological flexibility and social performance in children with separation anxiety disorder, *Journal of Clinical Psychology Studies*, 11(44), 45-71.


10 sessions of 60 minutes once a week; While the control group did not receive any educational intervention. Then both groups were re-evaluated with the mentioned questionnaires (post-test). The follow-up stage was held 2 months after the post-test. Covariance analysis was used to analyze the data by observing the defaults. The results showed that psychological flexibility and social functioning increased significantly ($P < 0.05$) and the level of anxiety in these children decreased significantly.

Keywords: Psychological flexibility, Philosophy for children, separation anxiety Social Performance.



اثر بخشی آموزش مبتنی بر فلسفه برای کودکان بر انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و عملکرد اجتماعی در کودکان مبتلا به اختلال اضطراب جدایی


دانشجوی دکتری رشته روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

غلامرضا محمدی 

استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

ذبیح پیرانی * 

استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

فیروزه زنگنه مطلق 

چکیده

کودکان مبتلا به اختلال اضطراب جدایی، مشکلات عدیده‌ای در سلامت روان و زندگی اجتماعی خویش دارند. هدف از پژوهش حاضر، بررسی اثربخشی آموزش مبتنی بر فلسفه برای کودکان بر انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و عملکرد اجتماعی کودکان ۶ تا ۱۲ سال مبتلا به اختلال اضطراب جدایی بود. روش پژوهش در این مطالعه؛ نیمه آزمایشی از نوع پیش‌آزمون - پس‌آزمون - پیگیری، همراه با گروه کنترل بود. جامعه آماری، کلیه کودکان مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره شمیم کرمانشاه در سال ۱۳۹۹-۱۳۹۸ بود. گروه نمونه، ۲۰ نفر از کودکان مبتلا به اختلال اضطراب جدایی بودند. انتخاب به صورت نمونه‌گیری هدفمند و جایگزینی به صورت تصادفی بود. ابتدا پرسشنامه‌های اضطراب جدایی (هان و همکاران، ۲۰۰۳)، مهارت‌های اجتماعی (ماتسون و همکاران، ۱۹۸۳) و آزمون دسته‌بندی کارت‌های ویسکانسین (گرانث و برگ، ۱۹۴۸) برای هر دو گروه اجرا شد (پیش‌آزمون). سپس شرکت‌کنندگان گروه مداخله، آموزش فلسفه برای کودک را در ۱۰ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای و هفته‌ای یک‌بار دریافت کردند؛ درحالی‌که گروه کنترل هیچ مداخله آموزشی دریافت نکرد. سپس هر دو گروه مجدد با پرسشنامه‌های مذکور مورد ارزیابی قرار گرفتند (پس‌آزمون). مرحله پیگیری نیز ۲ ماه بعد از پس‌آزمون برگزار گردید از تحلیل کوواریانس با رعایت

* نویسنده مسئول: z-pirani@iau-arak.ac.ir

پیش‌فرض‌ها برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. نتایج نشان داد که انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و عملکرد اجتماعی به صورت معناداری ($P < 0/05$) افزایش داشته است و میزان اضطراب در این کودکان نیز کاهش معناداری داشت.

کلیدواژه‌ها: اضطراب جدایی - انعطاف‌پذیری روان‌شناختی، فلسفه برای کودک، عملکرد اجتماعی.



مقدمه

اضطراب^۱ شایع‌ترین اختلال روان‌پزشکی در میان کودکان بوده و از لحاظ علت مراجعه به مراکز سلامت روان در مقام اول قرار دارد (چورپیتا^۲ ۲۰۱۶، ترجمه حلمی ۱۳۹۵). اختلال اضطرابی کلاسیک دوران کودکی، اختلال اضطراب جدایی^۳ است (عباسی، امیری و طالبی، ۱۳۹۴) این اختلال در کودکان کمتر از ۱۲ سال بیشتر شیوع دارد، تشخیص این اختلال در دوران کودکی از نظر خطر سلامت روان در سراسر عمر قابل توجه است (انجمن روان‌شناسی آمریکا، ۲۰۱۳). اضطراب جدایی در کودکان به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین علت رفتارهای ناسالم در رفتار، می‌تواند آسیب‌های ناگواری را برای کودک به دنبال داشته باشد (بالینو، کابری، دانو^۴ و همکاران، ۲۰۱۹). همچنین موجب اختلال در عملکرد اجتماعی و تحصیلی دیگر زمینه‌های مهم زندگی فرد خواهد شد (حمید، ۱۳۹۸). دانش‌آموزان مبتلا به اختلال اضطراب جدایی اکثراً از رفتن به مدرسه، اردوهای تابستانی و فعالیت با دوستان امتناع می‌ورزند (دادستان، ۱۳۹۹). ویژگی اصلی اختلال اضطراب جدایی، ترس یا اضطراب بسیار زیاد در هنگام جدایی از خانه یا اشخاص دلبسته است و شدت آن بیش از آن است که از سطح رشد فرد انتظار می‌رود (انجمن روان‌شناسی آمریکا، ۲۰۱۳). علاوه بر ترس برخی از پیامدهای منفی اضطراب جدایی در کودکان شامل، پرخاشگری، از دست دادن توانایی مهارگری، احساس گناه، تنهایی و مشکلات در سلامت روان و زندگی اجتماعی کودکان است (فرامرزی، بکرایی، محب زاده و همکاران، ۱۳۹۹).

از جمله سازه‌های روان‌شناختی که ارتباط شایان توجهی با کاهش اضطراب دارد انعطاف‌پذیری روان‌شناختی^۵ است (صالح زاده عین‌آباد، خلیلی، مجتهد زاده و همکاران، ۱۳۹۷). توانایی برقراری ارتباط با لحظه حال و قدرت متمایزسازی خود از افکار و تجارب

1. Anxiety
2. Chorpita
3. Separation Anxiety
4. Bulbena-Cabre, Duñó
5. Psychological Flexibility

درونی-روانی از ویژگی‌های این انعطاف‌پذیری است (حسینی، بنیسی و حقیق، ۱۳۹۸). به‌طور گسترده‌ای محرز شده است که انعطاف‌پذیری روان‌شناختی پیامدهای مثبتی برای سلامتی به ارمغان می‌آورد (صالح زاده عین‌آباد و همکاران، ۱۳۹۷). بر این اساس شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد انعطاف‌پذیری روان‌شناختی با بهزیستی روانی^۱ و آسیب‌پذیری در طیف گسترده‌ای از ناراحتی‌ها که شامل افسردگی، اضطراب و ناراحتی‌های روانی عمومی می‌شود، رابطه دارد (ماسودا و تالی^۲، ۲۰۱۲). در مجموع می‌توان گفت انعطاف‌پذیری روان‌شناختی، یک مفهوم فراتشخیصی است که شامل طیف وسیعی از مهارت‌های درون‌فردی و بین‌فردی است و یکی از جنبه‌های اساسی سلامت روان است (حاجلو، رحیمی و صداقت، ۱۳۹۸).

یکی از متغیرهای تأثیرگذار که می‌تواند نقش مهمی در زندگی کودکان داشته باشد عملکرد اجتماعی^۳ است (رضاپورمیرصالح، خردمند و شاهی، ۱۳۹۶). این عملکرد توانایی هست که روابط اجتماعی مثبت و مفید را آغاز و حفظ می‌نماید، دوستی و صمیمیت با همسالان را گسترش دهد، سازگاری رضایت بخشی را در مدرسه ایجاد می‌کند، به افراد اجازه دهد که خود را با شرایط وفق دهند و تقاضاهای محیط اجتماعی را بپذیرند (گرشام، واتسون و اسکینر^۴، ۲۰۰۱). بهبود عملکرد اجتماعی، محور اصلی رشد اجتماعی، شکل‌گیری روابط اجتماعی، کیفیت تعامل‌های اجتماعی، سازگاری اجتماعی و حتی سلامت روان فرد به شمار می‌رود (قنبریان، ۱۳۹۶). اساس شکل‌گیری مهارت‌های اجتماعی فرد در دوران کودکی پایه‌گذاری می‌شود؛ بنابراین پرورش این مهارت‌ها در دوران کودکی از ضرورت زیادی برخوردار است (رضاپورمیرصالح و همکاران، ۱۳۹۶). یافته‌های پژوهشی حاکی از آن است که کودکان دارای مهارت‌های اجتماعی مناسب نسبت به کودکان فاقد این مهارت‌ها، هم در برقراری روابط مؤثر با همسالان و هم در یادگیری در محیط آموزش و پیشرفت تحصیلی موفقیت‌های بیشتری از خود نشان می‌دهند

1. Psychological Well-Being
2. Masuda & Tully
3. Social Performance
4. Gresham, Watson & Skinner

(برایان و همکاران، ۲۰۱۰ به نقل از قنبریان، ۱۳۹۶). کودکان مبتلا به اختلال اضطراب جدایی، در عملکرد اجتماعی دچار نقص می‌شوند (حمید، ۱۳۹۸).

فلسفه برای کودکان^۱ از برنامه‌های آموزشی است که این امکان را فراهم می‌آورد تا کودکان و نوجوانان افکار پیچیده خود را شکل دهند. این برنامه نظام‌مند و تدریجی بیشتر برای کار بر روی کودکان چهار تا هیجده ساله طراحی شده است (رضایی، پادروند، سبحانی و همکاران، ۱۳۹۳). لیپمن^۲ بنیان‌گذار برنامه فلسفه برای کودکان می‌باشد. در برنامه درسی فلسفه برای کودکان، دانش‌آموران قادر می‌شوند که در موقعیت‌های جدید واکنش مناسب نشان دهند و رفتارهای خود را با توجه به اهداف آینده شکل دهند. بنا بر نظریه لیپمن، اهداف برنامه فلسفه، پرورش تفکر انتقادی برای کودکان شامل؛ پرورش تفکر خلاق، تفکر مسئولانه، پرورش ارزش‌های اخلاقی، آموزش ارزش‌های اخلاقی و نیز رشد روابط فردی و میان فردی است (فتحی، ۱۳۹۷). همچنین لیپمن (۱۹۷۲) در برنامه خاص خود علاوه بر بهره‌گیری از فواید گروه و داستان‌سرایی جمعی، با وضع قوانین خاص در گروه یعنی اجتماع پژوهشی^۳ و تدوین متون داستانی خاص یعنی داستان‌های فکری با مضمون فلسفی، به فوایدی فراتر از گروه‌های قبلی دست یافته است (حبیبی کلیر، فرید و محمد زاده، ۱۳۹۸). در این برنامه آموزشی کتاب‌های داستان به‌عنوان مجموعه‌ای غنی از دانش و تجربه‌ها، به‌عنوان ابزار مناسبی برای چنین آموزشی شناخته شده‌اند (قائدی، ۱۳۹۵). در این طرح، کودکان می‌توانند در سطح خودشان عمل کنند و از طریق بحث، توانایی برای تفکر و استدلال با دیگران را رشد دهند و این مسئله به ساخته شدن عزت‌نفس و اعتماد به نفس کودکان کمک می‌کند به طوری که همه آن‌ها می‌توانند به احساس موفقیت دست یابند (بریس و موراگ گات^۴، ۲۰۱۲ ترجمه پیرانی، بنی‌جمالی و رحمانی، ۱۳۹۵). آموزش فلسفه و تفکر فلسفی به کودک می‌آموزد که عقاید خود و دیگران را به چالش کشیده و به راحتی اسیر افکار و باورهای خرافه گونه نشود، افکارش را بازبینی و کنترل

1. Philosophy For Children

2. Lipman

3. Research Community

4. Gaut,B & Gaut,M

کند، نگرانی‌های بیجا در مورد افکارش نداشته باشد و قادر شود افکار منفی و مزاحم را از خویش دور کند (فلاح مهنه، یمینی و مهدیان، ۱۳۹۷). کودکان قادر هستند، بدون هیچ آموزش قبلی و صرفاً در بستر چند قانون کلی، پرسش فلسفی مطرح کنند. این قوانین کلی که ناظر بر آماده‌سازی محیط کلاس برای کندوکاو فلسفی هستند شامل مواردی چون «به‌طوری که گوش فرا دهیم»، «به‌یکدیگر توهین نکنیم» و مانند این‌ها است. از طرفی مربی نیز می‌تواند بستری فراهم کند که کودکان به سؤال‌هایی که خودشان طرح کرده‌اند، بیان‌دیشند و پاسخ‌های فلسفی بدهند (کاوکین و بریثاوپت^۱، ۲۰۱۷). این برنامه هدف اجتماعی نیز دارد و آن آموزش فرایند تصمیم‌گیری دمکراتیک است. این برنامه در پرورش مشارکت منظم و پرورش خودآگاهی کودکان سهمی قطعی دارد (هاینس^۲، ۲۰۰۲). در این برنامه، آشنا سازی کودکان با مفاهیم فلسفی می‌تواند علاوه بر تأثیرات مثبت شنیداری و گفتاری بر کودکان، اجتماعی شدن آنان را نیز تسریع نماید (هوشمندی و شمشیری، ۱۳۹۷). قرار گرفتن در موقعیت‌های اجتماعی و چالش فکری، برقراری روابط دوستانه با دیگران و یاد گرفتن قضاوت صحیح باعث رشد و تقویت مهارت‌های اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی دانش آموزان می‌گردد. (حیبی کلیر و همکاران، ۱۳۹۸). آموزش مهارت‌های فکری اعم از استدلال، داوری، تربیت شهروندانی معقول، خودآگاه، دقیق، مسئولیت‌پذیر، اخلاقی، اجتماعی، منتقد، خود انتقادگر و محقق در برنامه فلسفه برای کودک وجود دارد (اسماعیل‌زاده، الله کرمی و موسوی، ۱۳۹۷). در این روش مهارت برقراری روابط اجتماعی، شناختی، کلامی و ارتباط و خودکارآمدی رشد یافته و شرایط مقابله و رهایی از خجالت و کمرویی به وجود آمده و باعث ایجاد پیوند عمیق دوستی، از بین رفتن احساس عجز و بیگانگی می‌شود (هدایتی، قائدی، شفیق آبادی و یونسی، ۱۳۸۹). در مجموع این برنامه کودکان را از نظر توانایی شناختی و اجتماعی قدرتمند می‌کند و به آن‌ها کمک می‌کند تا توانایی گوش دادن و پاسخ به سؤالات، تحلیل و حل مشکلات، مباحثه و گفتگو و جستجو و ارزیابی عقاید را به دست آورند. از سویی مهارت گفتگو را

-
1. Caukin, & Brinthaup
 2. Haynes

به واسطه‌ی رویکرد گروهی در آموزش فلسفه به کودکان به آن‌ها آموزش می‌دهد (عیسی مراد، نفر و فاطمی، ۱۳۹۸).

نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که آموزش فلسفه برای کودکان بر جهت‌گیری یادگیری (اصل رمز، ۱۳۹۸)، همدلی و حل مسئله اجتماعی (عیسی مراد و همکاران، ۱۳۹۸)، کاهش احساس تنهایی و ناامیدی (چراغ زاد، کردنوقابی و سهراب، ۱۳۹۸)، خودکارآمدی اجتماعی (حیبی کلیر و همکاران، ۱۳۹۸)، پیشرفت مهارت‌های استدلالی (یان، لین ماسل، وانگ و چیا-چیانگ^۱، ۲۰۱۸)، افزایش مسئولیت‌پذیری (فتحی و احقر، ۱۳۹۷)، افزایش توانایی حل مسأله (جلیلیان، عظیم‌پور و جلیلیان، ۱۳۹۵)، رشد تفکر منطقی (عسگری، دیناروند و ترکاشوند، ۱۳۹۴)، افزایش خلاقیت، انعطاف‌پذیری و ابتکار (رضایی و همکاران، ۱۳۹۳) رشد تفکر پیچیده (دی ماسی و سانتی^۲، ۲۰۱۶)، رشد مهارت-های اجتماعی (سی دی کو، گرارد و سی^۳، ۲۰۱۹) و پرورش وظایف شهروندی (برگ^۴، ۲۰۱۸) مؤثر است. همچنین در درمان برخی اختلالات از قبیل کاهش علائم وسواسی-جبری (دره زرشکی پور، فلاح و سعیدمنش، ۱۳۹۸) و کاهش اضطراب و افزایش رفتارهای مثبت در کلاس مؤثر بوده است (پایانت^۵، ۲۰۱۷). می‌توان گفت از طریق آموزش مبتنی بر فلسفه، کودکان می‌توانند هنر زندگی کردن را به‌درستی بیاموزند (دی اولیمپو و تسچرز^۶، ۲۰۱۶).

با توجه به آنچه گذشت، لزوم توجه به درمان اختلال اضطراب جدایی دانش‌آموزان به‌عنوان شایع‌ترین اختلال دوران کودکی، موضوعی است که همواره روانشناسان و متخصصین حوزه سلامت روان را به خود مشغول نموده است، از طرف دیگر بالا بردن انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و همچنین افزایش سطح عملکرد اجتماعی این کودکان

1. Yan, Ynne Masel, Wang & Chia-Chiang

2. Di Masi & Santi

3. Siddiqui, Gorardsee

4. Burgh

5. Payant

6. D'olimpio, Teschers

می‌تواند به بهزیستی روانی آن‌ها کمک نماید. در همین راستا روش‌ها و درمان‌های مختلفی پیشنهاد شده است ولی تا به حال پژوهشی برای سنجش اثربخشی آموزش مبتنی بر فلسفه برای کودکان مبتلا به اختلال اضطراب جدایی و متغیرهای مرتبط با آن، انجام نشده است؛ بنابراین پژوهش حاضر به این موضوع پرداخت که آیا آموزش مبتنی بر فلسفه، بر انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و عملکرد اجتماعی در کودکان مبتلا به اختلال اضطراب جدایی اثربخش است؟

روش

روش پژوهش این مطالعه؛ نیمه آزمایشی از نوع پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری همراه با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل کلیه کودکان مبتلا به اختلال اضطراب جدایی مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره شمیم شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۹-۱۳۹۸ بود؛ که از بین آن‌ها تعداد ۲۰ نفر از کودکان ۶ تا ۱۲ سال که بر اساس پرسشنامه اضطراب جدایی (نسخه والدین) تشخیص اضطراب جدایی در آن‌ها محرز شده بود، انتخاب گردیدند. سپس ۱۰ نفر به صورت تصادفی در گروه کنترل و ۱۰ نفر دیگر در گروه مداخله جایگزین شدند (انتخاب به صورت نمونه‌گیری هدفمند و جایگزینی به صورت تصادفی بود). معیارهای ورود به مطالعه؛ کودک ۶ تا ۱۲ سال (مقطع پیش‌دبستانی و دبستان)، ابتلا به اختلال اضطراب جدایی، امضای رضایت‌نامه والدین جهت شرکت فرزندان در پژوهش و عدم مصرف داروهای روان‌پزشکی بود و معیارهای خروج از مطالعه نیز؛ تکمیل ناقص پرسشنامه‌ها و غیبت بیش از ۲ جلسه حین آموزش تعیین گردید. شایان ذکر است که به خاطر رعایت مسائل اخلاقی، رضایت آگاهانه از والدین اخذ گردید و حق انصراف از پژوهش به آنان داده شد و اطمینان حاصل گردید که حریم شخصی آن‌ها محفوظ می‌باشد.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه اضطراب جدایی (نسخه والدین): این پرسشنامه توسط (هان، هاجینلیان، ایسن^۱ و همکاران، ۲۰۰۳)، در ۳۴ ماده تهیه شد. والدین، ماده‌ها را بر اساس مقیاس چهاردرجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری می‌کنند دامنه نمره‌ها از یک (هرگز) تا چهار (همیشه) متغیر است. مطالعات قبلی ضریب همسانی آزمون را ۰/۹۱، ضریب باز آزمایی را ۰/۸۳ و روایی مناسبی را برای مقیاس سنجش اضطراب جدایی گزارش و این مقیاس را به‌عنوان ابزار مفیدی برای شناسایی نشانه‌های اضطراب جدایی معرفی کردند (ایسن و اسفکر^۲، ۲۰۰۵؛ هان و همکاران ۲۰۰۳ به نقل از طلایی‌نژاد، قنبری، مظاهری و همکاران، ۱۳۹۵). در ایران، مفرد و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهشی این ابزار را بکار بردند و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۴ به دست آمد (مفرد و همکاران، ۲۰۱۰ به نقل از طلایی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۵).

پرسشنامه انعطاف‌پذیری روان‌شناختی (آزمون کارت‌های ویسکانسین): آزمون دسته‌بندی کارت‌های ویسکانسین، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی را می‌سنجد این آزمون به کوشش گرانت و برگ در سال ۱۹۴۸ ساخته شد و به‌طور وسیع برای اندازه‌گیری استدلال انتزاعی، مفهوم‌سازی و پاسخ‌دهی تکراری استفاده شده است. به آزمودنی دسته‌ای از ۶۴ کارت ارائه می‌شود که بر روی آن‌ها ۱ الی ۴ نماد به‌صورت مثلث، ستاره، صلیب، دایره به ترتیب رنگ‌های قرمز، سبز، زرد، آبی نقش بسته است. برای اجرای آزمون ابتدا چهار کارت الگو در مقابل آزمودنی قرار داده می‌شود. آزمونگر ابتدا بدون اطلاع آزمودنی، رنگ را به‌عنوان اصل دسته‌بندی در نظر می‌گیرد و از وی می‌خواهد بقیه‌ی کارت‌ها را یک‌به‌یک در زیر چهار کارت الگو قرار دهد. بعد از هر کوشش، به آزمودنی گفته می‌شود که جایگذاری وی درست است یا نادرست. اگر آزمودنی بتواند به‌طور متوالی ۱۰ دسته‌بندی صحیح انجام دهد، اصل دسته‌بندی عوض شده و شکل اصل دسته‌بندی می‌شود. اصل فقط با تغییر دادن الگوی بازخورد درست و نادرست تغییر می‌کند. بدین

1. Hahn, Hajinlian & Eisen
2. Eisen & Schaefer

ترتیب، پاسخ درست قبلی در اصل جدید پاسخ نادرست تلقی می‌شود. اصل بعدی تعداد است و بعد سه اصل به ترتیب تکرار می‌شوند. آزمون وقتی متوقف می‌شود که آزمودنی بتواند با موفقیت شش طبقه را به‌طور صحیح دسته‌بندی کند؛ و یا به‌طور خودبه‌خودی اصل زیربنایی مذکور را گزارش دهد و منظور از عملکرد در این آزمون بررسی استدلال انتزاعی کسب طبقه می‌باشد و خطاهای درجاماندگی هم در مواقعی است که آزمودنی بر طبق اصل موفقیت‌آمیز قبلی دسته‌بندی را ادامه می‌دهد و هم‌زمانی است که در اولین سری، در دسته‌بندی کردن بر اساس یک حدس غلط اولیه پافشاری می‌نماید. اکسلرود و همکاران اظهار می‌دارند که روایی ارزیابان، رضایت‌بخش و در حد عالی بالای ۸۳ درصد گزارش شده است و نیز اعتبار آزمون را با استفاده از روش آزمون-بازآزمون ۹۱ درصد گزارش کرده‌اند. (عبدی، عربانی دانا، حاتمی و همکاران، ۱۳۹۳).

پرسشنامه عملکرد اجتماعی: از پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی (ماتسون، روتاتوری و هلسل^۱، ۱۹۸۳) استفاده شد که برای سنجش مهارت‌های افراد ۴ تا ۱۸ ساله تدوین گردیده است. پرسشنامه دارای ۶۲ گویه است که مهارت‌های اجتماعی را توصیف می‌کنند. در این آزمون هر گویه بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت شامل گزینه‌های، کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم و کاملاً مخالفم می‌باشد که به ترتیب نمره ۵ تا ۱ را به خود اختصاص می‌دهند، البته در بعضی از گویه‌ها چون پرسش گویه معکوس می‌باشد نحوه‌ی نمره دهی برعکس شده است. برای پایایی از آلفای کرونباخ که برای کل مقیاس ۰/۸۵ به دست آمد و روایی آن نیز از طریق تحلیل عاملی اکتشافی بررسی و احراز گردید. تحقیقات نشان داده‌اند که مقیاس مهارت‌های اجتماعی ماتسون از ثبات روان‌سنجی، پایایی بالای باز آزمایی و روایی افتراقی قابل‌قبولی برخوردار است (ماتسون و همکاران، ۱۹۸۳).

بسته آموزش فلسفه برای کودکان: در این پژوهش، جهت اجرای برنامه آموزش فلسفه برای کودکان از جلد‌های اول و دوم مجموعه سه‌جلدی ((داستان‌های فکری)) فیلیپ

کم^۱ ترجمه شهرتاش و رشتچی (۱۳۹۸) رشتچی و شهرتاش (۱۳۹۷) برای کودکان ۶ تا ۱۲ سال استفاده شد. این داستان‌ها دارای مضامین فلسفی، اخلاقی و اجتماعی هستند و برای رشد تفکر و یادگیری تدوین شده‌اند. در این دو اثر هر داستان بر اساس یک مضمون خاص مثل ماهیت خوبی و زیبایی، قدرت، آزادی، ذهن و بدن، درست و نادرست، دوستی، احساسات، رشد فردی، جامعه، مراقبت، اعتماد به نفس، ارتباط، عزت نفس و... تنظیم شده است. این داستان‌ها کودکان را تشویق می‌کند تا سؤال‌های خود را درباره عناوین ذکر شده مطرح و درباره تجربه خود پیرامون زمان و تغییر بحث کنند و روابط انسان با محیط را بررسی نمایند. در واقع، اهدافی که در این داستان‌ها در نظر گرفته شده است شامل اهداف آموزشی، شناختی، اخلاقی و اجتماعی است. در مجموع از این کتاب‌ها، داستان‌های مرتبط و جذاب برای پژوهش انتخاب گردید. همچنین از کتاب راهنمای معلم / کتاب کار داستان‌های فکری (ویژه آموزش فلسفه برای کودکان) برای هدایت و کمک‌رسانی به دانش آموزان در فرآیند آموزش استفاده می‌شود. بنا به نظر لیپمن، در برنامه آموزش فلسفه به کودکان، روش اجرا اجتماع پژوهی یا حلقه کندوکاو می‌باشد (جلیلیان و همکاران، ۱۳۹۵). در شیوه اجتماع پژوهی، ابتدا قسمتی از داستان خوانده می‌شد و سپس از دانش آموزان خواسته می‌شد تا نظرات خود را بیان کنند و بعد از آن‌ها خواسته می‌شد نظرات همدیگر را با ذکر دلیل نقد کنند و از نظر خود دفاع کنند.

جدول ۱. ساختار جلسات آموزش مبتنی بر فلسفه برای کودکان

مفاهیم	ساختار جلسات آموزش مبتنی بر فلسفه برای کودکان	جلسات آموزشی
	برقراری رابطه، توضیحاتی در مورد قوانین گروه و شکل اجرای روش اجتماع پژوهی برای والدین	جلسه اول
دوستی - اعتماد - ترس	داستان خانه تو یا من؟ (استیون بر ^۲)	جلسه دوم
رشد - احساسات	لیندا و کلارا (ران رید ^۳)	جلسه سوم

2. Kam
2. Bear, Steven
3. Reed

مفاهیم	ساختار جلسات آموزش مبتنی بر فلسفه برای کودکان	جلسات آموزشی
شناخت احساسات - عزت نفس	گابریل (مارگارت شارپ) ^۱	جلسه چهارم
اعتماد به نفس	ادامه گابریل (مارگارت شارپ)	جلسه پنجم
تعقل	روی ایوان (سارا ردشاو) ^۲	جلسه ششم
ارتباط خوب	ارتباط (کاترین مک کال) ^۳	جلسه هفتم
تغییر پذیری - فرصت‌ها	تامی و لاکپشت زمان (متیو لیپمن)	جلسه هشتم
کنترل هیجان	بدخلقی (بانگ شوفن) ^۴	جلسه نهم
	جمع‌بندی نهایی و اجرای پس‌آزمون برای افراد شرکت‌کننده و تشکر از کودکان و والدین آن‌ها به خاطر همکاری	جلسه دهم

روند اجرا

می‌توان مراحل اجرای این پژوهش را در ۸ گام خلاصه کرد:

گام اول (مقدمات): هماهنگی با مربی فلسفه برای کودک (شاغل در یکی از مراکز فرهنگی - تربیتی استان)، هماهنگی لازم با مرکز مشاوره شمیم کرمانشاه (با توجه به آمار بالای مراجعین کودک).

گام دوم (انتخاب نمونه): کودکان شرکت‌کننده در پژوهش با استفاده از پرسشنامه اضطراب جدایی (نسخه والدین) و از بین افرادی که با علائم این اختلال به مرکز مشاوره شمیم مراجعه کرده بودند مشخص شدند.

1 Sharp
2 Redshaw
3 Mccal
4 Shu-Fen

گام سوم (توجیه والدین): برای والدین این کودکان؛ فرآیند برنامه، نحوه حضور کودکان در جلسات، تعداد و زمان جلسات اعلام شد و رضایت‌نامه آگاهانه از ایشان اخذ شد.

گام چهارم (پیش‌آزمون): پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی ماتسون و کارت‌های ویسکانسین اجرا شد.

گام پنجم (اجرای آموزش): آزمودنی‌های گروه مداخله، برنامه آموزش مبتنی بر فلسفه برای کودک را در قالب ۱۰ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای و هفته‌ای یک‌بار در محل مرکز مشاوره شمیم توسط مربی آموزش‌دیده، دریافت کردند؛ درحالی‌که گروه کنترل هیچ مداخله‌ی آموزشی دریافت نکرد.

گام ششم (پس‌آزمون): بعد از برگزاری آموزش، مجدداً پرسشنامه عملکرد اجتماعی بین والدین هر دو گروه، توزیع و از آن‌ها درخواست شد تا باکمال دقت و حوصله به سؤالات جواب دهند، همچنین آزمون کارت‌های ویسکانسین از کودکان به عمل آمد.

گام هفتم (پیگیری): پس از دو ماه، مرحله پیگیری با اجرای مجدد آزمون‌ها، بین دو گروه اجرا شد.

گام هشتم (تحلیل داده‌ها): داده‌ها با استفاده از نسخه ۲۳ نرم‌افزار SPSS و به روش تحلیل کواریانس تحلیل شد.

یافته‌ها

به‌منظور بررسی این سؤال که آیا آموزش فلسفه به کودکان بر انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و عملکرد اجتماعی کودکان مبتلا به اختلال اضطراب جدایی تأثیر دارد، نمرات کودکان در دو آزمون انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و عملکرد اجتماعی در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون و پیگیری در گروه‌های آزمایشی و کنترل با هم مقایسه شدند.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش برحسب مراحل مداخله

گروه	متغیر	مرحله	میانگین	انحراف معیار
گروه آموزش فلسفه برای کودکان	انعطاف‌پذیری روان‌شناختی	پیش‌آزمون	۱۵/۳	۴/۶۹
		پس‌آزمون	۲۴	۱۲/۵
		پیگیری	۲۱/۹	۱۰/۷
	عملکرد اجتماعی	پیش‌آزمون	۱۳۵/۴	۱۴/۳۳
		پس‌آزمون	۱۶۸/۳	۲۲/۷
		پیگیری	۱۶۲/۹	۲۳/۴۹
گروه کنترل	انعطاف‌پذیری روان‌شناختی	پیش‌آزمون	۱۴/۷	۵/۴۵
		پس‌آزمون	۱۵/۸	۱۱/۴۴
		پیگیری	۱۴/۹	۱۰/۰۷
	عملکرد اجتماعی	پیش‌آزمون	۱۵۵/۱۳	۲۲/۱۴
		پس‌آزمون	۱۵۵/۶۴	۲۱/۶۸
		پیگیری	۱۵۶/۰۴	۲۲/۰۸

بر اساس اطلاعات جدول شماره ۲، نمرات میانگین و انحراف معیار پس‌آزمون و پیگیری افراد گروه‌های آزمایش در مقایسه با گروه گواه، تغییر داشته است یعنی آموزش فلسفه برای کودکان باعث بهبود وضعیت کودکان شرکت‌کننده در متغیرهای انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و عملکرد اجتماعی شده است. درحالی‌که نمرات پس‌آزمون و پیگیری متغیرهای فوق در گروه کنترل تغییر چندانی نداشته است.

یکی از یافته‌های این پژوهش تعیین اثربخشی آموزش مبتنی بر فلسفه برای کودکان بر میزان اختلال اضطراب جدایی نیز بود که با انجام مجدد پرسشنامه اضطراب جدایی در مراحل پس‌آزمون و پیگیری انجام گرفت. (پیش‌آزمون: میانگین ۱۹۳/۶۳ و انحراف معیار ۲۴/۳، پس‌آزمون: میانگین ۱۶۹/۵۹ و انحراف معیار ۱۹/۵۵، پیگیری: میانگین ۱۶۹/۹۵ و انحراف معیار ۱۹/۹۸).

جدول ۳. نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنف^۱ جهت بررسی نرمال بودن داده‌ها

عملکرد اجتماعی	انعطاف‌پذیری روان‌شناختی	کلموگروف- اسمیرنف
۰/۸۱۰	۰/۴۹۶	
۰/۵۲۸	۰/۱۹۱	سطح معناداری

بر اساس یافته‌های به دست آمده سطح معناداری آزمون کلموگروف اسمیرنف برای انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و عملکرد اجتماعی به ترتیب برابر با ۰/۱۹۱ و ۰/۵۲۸ محاسبه شد. بنابراین غیرنرمال بودن داده‌های پرسشنامه انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و عملکرد اجتماعی رد شده و نرمال بودن داده‌های این پرسشنامه توسط آزمون کلموگروف اسمیرنف تأیید شد.

پیش فرض بعدی همگنی واریانس‌هاست که برای این امر از آزمون لون^۲ استفاده شد.

جدول ۴. نتایج آزمون لون: همگنی واریانس‌ها

متغیر	آماره F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معنی‌داری
انعطاف‌پذیری روان‌شناختی	۰/۷۰۲	۲	۸۷	۰/۰۶۷
عملکرد اجتماعی	۰/۲۰۸	۲	۸۷	۰/۸۱۳

همان‌طور که مشاهده می‌شود، مقادیر F که نشان‌دهنده مقدار آزمون لون برای بررسی همگنی واریانس‌هاست، در هیچ‌یک از متغیرها معنادار نیست ($P > 0.05$). با توجه به این نتیجه پیش فرض برابری واریانس‌ها در متغیرهای پژوهش تأیید می‌شود.

جدول ۵. نتایج تحلیل کوواریانس مقایسه میانگین‌ها در گروه آموزش مبتنی بر فلسفه

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	سطح معناداری	تا
آموزش	۴۱۲/۲	۲	۲۰۶/۱	۲/۰۹۴	۰/۰۴۳	۰/۱۳۴
خطا	۲۶۵۷	۲۷	۹۸/۴۰۷			
مجموع	۳۰۶۹/۲	۲۹				

1. One-Sample Kolmogorov-Smirnov Test

2. Leven Test

منبع تغییرات	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	نسبت F	سطح معناداری	اتا
آموزش	۶۲۲۸/۸۲۹	۲	۳۱۱۴/۴۱۴	۷/۳۲۱	۰/۰۰۳	۰/۳۵۲
خطا	۱۱۴۸۶/۰۵۳	۲۷	۴۲۵/۴۰۹			
مجموع	۱۷۷۱۴/۸۸۱	۲۹				
آموزش	۳۷۹۶/۱۰۶	۲	۱۸۹۸/۰۵۳	۴/۱۴۹	۰/۰۲۷	۰/۲۳۵
خطا	۱۲۳۵۲/۵۶۹	۲۷	۴۵۷/۵۰۳			
مجموع	۱۶۱۴۸/۶۷۵	۲۹				

بر اساس ارقام به‌دست‌آمده از جدول شماره ۵، سطح معناداری مشاهده‌شده در گروه آزمایشی در سطح ۰/۰۵ معنادار است. بنابراین، می‌توان با ۹۵ درصد اطمینان نتیجه گرفت که تغییرات انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و تغییرات عملکرد اجتماعی در پیش‌آزمون و پس‌آزمون به یک میزان نمی‌باشد و آموزش مبتنی بر فلسفه برای کودکان بر انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و عملکرد اجتماعی آن‌ها تأثیر دارد. چنانکه مقایسه تغییرات در جدول شماره ۲ نشان می‌دهد میزان انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و عملکرد اجتماعی آزمودنی‌هایی که آموزش را دریافت نموده‌اند به‌طور معناداری نسبت به گروه گواه، افزایش یافته است. میزان اتا نیز بیانگر آن است که تقریباً ۱۳/۴ درصد از انعطاف‌پذیری روان‌شناختی تحت تأثیر متغیر مستقل در گروه آزمایش تغییر می‌کند. همچنین تقریباً ۳۵/۲ درصد از عملکرد اجتماعی نیز تحت تأثیر آموزش فلسفه برای کودک در گروه آزمایش تغییر می‌کند.

در رابطه با نتایج تحلیل کوواریانس مقایسه میانگین میزان اضطراب در گروه آموزش مبتنی بر فلسفه نیز سطح معناداری مشاهده‌شده در گروه آزمایشی در سطح ۰/۰۵ معنادار است و می‌توان با ۹۵ درصد اطمینان نتیجه گرفت که تغییرات اضطراب در پیش‌آزمون و پس‌آزمون به یک میزان نبوده و آموزش فلسفه برای کودکان بر میزان اضطراب آن‌ها تأثیر دارد. چنانکه مقایسه تغییرات نشان می‌دهد میزان اضطراب آزمودنی‌هایی که آموزش را دریافت نموده‌اند به‌طور معناداری نسبت به گروه گواه، کاهش یافته است. میزان اتا نیز بیانگر آن است که تقریباً ۲۳/۵ درصد از کاهش اضطراب تحت تأثیر برنامه آموزش فلسفه برای کودک در گروه آزمایش تغییر می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی آموزش فلسفه برای کودکان بر انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و عملکرد اجتماعی در کودکان مبتلا به اختلال اضطراب جدایی در بین کودکان ۶ تا ۱۲ ساله (پیش‌دبستان و مقطع دبستان)، مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره و خدمات روان‌شناختی شمیم کرمانشاه اجرا شد. نتایج نشان داد که میانگین نمرات مراحل پس‌آزمون و پیگیری انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و عملکرد اجتماعی کودکان مبتلا به اختلال اضطراب جدایی نسبت به پیش‌آزمون افزایش معنادار یافته‌است. این درحالی است که این نمرات در گروه کنترل تغییر چندانی نداشته‌است. در ضمن با تکمیل مجدد پرسشنامه اضطراب جدایی توسط دو گروه مشخص گردید که نمرات پس‌آزمون و پیگیری گروه آموزش فلسفه برای کودک نسبت به پیش‌آزمون کاهش معناداری یافته‌است.

در رابطه با اثربخشی آموزش مبتنی بر فلسفه برای کودکان بر انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در کودکان مبتلا به اختلال اضطراب جدایی می‌توان گفت پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های لیمن (۲۰۱۷)، چراغ زاد و همکاران (۱۳۹۸)، جلیلیان و همکاران (۱۳۹۵)، عسگری و همکاران (۱۳۹۴)، رضایی و همکاران (۱۳۹۳)، دی‌ماسی و سانتی (۲۰۱۶)، مویترا و گادیانو (۲۰۱۶) همخوانی دارد. آموزش مبتنی بر فلسفه، کودکان را نسبت به تفکر و یادگیری خود‌هشیارتر می‌کند؛ یعنی آگاه بودن از آنچه می‌اندیشند و یاد می‌گیرند (پاپایانت، ۲۰۱۷). علاوه بر این، چنین آموزشی، امکان آگاهی کودکان را از نقاط ضعف و قوت خود از طریق ابراز نظرات خود و شنیدن دلایل مخالفت یا موافقت دیگران، فراهم می‌کند (ماهروزاده و رمضان پور، ۱۳۹۰)؛ به عبارت دیگر دستاوردهای مهم این آموزش، حول محور ارتباط با لحظه حال و متمایزسازی خود از افکار، تجارب و نقاط ضعف و قوت است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۸)؛ یعنی نتایج حاصل از این آموزش به صورت ویژه عناصر انعطاف‌پذیری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر این اساس اثربخشی این روش در انعطاف‌پذیری کودکان دور از انتظار نخواهد بود. همچنین در آموزش فلسفه برای کودکان، خلاقیت دانش‌آموزان با تلاش برای پیدا کردن راهکارهای مختلف برای

جواب یک سؤال افزایش می‌یابد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۳) رشد خلاقیت کودکان در اثر قرار گرفتن در چالش‌های مختلف ذهنی به بالا رفتن سطح انعطاف‌پذیری روان‌شناختی آن‌ها کمک می‌کند. از طرف دیگر از آنجا که تفکر دانش‌آموزان در مورد مفاهیم مختلف به چالش کشیده می‌شود (لیمن، ۲۰۱۷)، آن‌ها درستی و نادرستی افکار خویش را در بحث و گفتگو متوجه می‌شوند و در نتیجه انعطاف‌پذیری به‌عنوان یک فرایند روان‌شناختی مؤثر بر تصمیم‌گیری در این کودکان بالا می‌رود. همچنین از آنجا که انعطاف‌پذیری روان‌شناختی ارتباط عکس با اضطراب دارد (صالح زاده عین‌آباد و همکاران، ۱۳۹۷)، بالا رفتن نمره انعطاف‌پذیری در کودکان مبتلا به اختلال اضطراب جدایی می‌تواند نشان خوبی از توانایی ایشان جهت سازگار کردن راه‌کارهایی اطلاق شود که به‌منظور مواجهه با شرایط جدید به کار می‌رود. شرایطی که می‌تواند، دوری موقت از خانه و خانواده و ورود به یک مکان جدید همچون مدرسه باشد.

در رابطه با اثربخشی آموزش مبتنی بر فلسفه برای کودکان بر عملکرد اجتماعی در کودکان مبتلا به اختلال اضطراب جدایی، نتایج این پژوهش با پژوهش‌های سی‌دی‌کو و همکاران (۲۰۱۹)، برگ (۲۰۱۸)، پایانت (۲۰۱۷) و دی‌اولیمپو و تسچرز (۲۰۱۶) عیسی مراد و همکاران (۱۳۹۸)، حبیبی کلیر و همکاران (۱۳۹۸) همخوانی دارد. هرچند مهم‌ترین هدف برنامه آموزش فلسفه برای کودکان را می‌توان، پرورش تفکر کودکان شامل؛ پرورش تفکر خلاق، تفکر مسئولانه، پرورش ارزش‌های اخلاقی، آموزش ارزش‌های اخلاقی، آموزش ارزش‌های هنری و نیز رشد روابط فردی و میان‌فردی دانست (فتحی، ۱۳۹۷). تربیت شهروندانی معقول، خودآگاه، دقیق، مسئولیت‌پذیر و اجتماعی نیز در برنامه فلسفه برای کودک پیگیری می‌شود (اسماعیل‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷). از طرفی دیگر قرار گرفتن در موقعیت اجتماعی به همراه چالش فکری، برقراری روابط دوستانه با دیگران و یادگرفتن قضاوت صحیح، باعث رشد و تقویت مهارت‌های اجتماعی کودکان می‌گردد (حبیبی کلیر و همکاران، ۱۳۹۸) و عملکرد اجتماعی را بهبود می‌بخشد.

همچنین این برنامه، باعث ایجاد پیوند عمیق دوستی، از بین رفتن احساس عجز و بیگانگی شده (هدایتی و همکاران، ۱۳۸۹) و موجب بهبود اعتماد به نفس و رفتارهای انطباقی کودکان می‌شود (اسماعیل‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷) در چنین روندی است که عملکرد، نیز به چالش کشیده شده و کودکان در می‌یابند که در چه شرایطی هستند، چه رفتاری درست و چه رفتاری غلط است و با اعتماد به نفس می‌توانند در افکار و رفتار، تغییر ایجاد کنند، تغییری که به بالا رفتن سطح عملکرد آن‌ها به خصوص در محیط‌های اجتماعی جدید منجر می‌شود.

یکی از اهداف روان‌شناختی برای کودکان آماده‌سازی آن‌ها برای زندگی فردی و اجتماعی است و این میسر نمی‌شود مگر در بستر سلامت روان، کودکان مبتلا به اختلال اضطراب جدایی نمی‌توانند با محیط مدرسه و سایر محیط‌های اجتماعی ارتباط درستی برقرار نمایند، بنابراین همان‌طور که گذشت، بکار بردن روش آموزشی مبتنی بر فلسفه برای کودکان مبتلا به اختلال اضطراب جدایی نه تنها می‌تواند به یادگیری بهتر مفاهیم مدنظر منجر شود، بلکه به ارتقای انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و بالا بردن سطح عملکرد اجتماعی این کودکان کمک می‌نماید و ارتقای این متغیرها نیز بر سلامت روان فرد نیز تأثیر مثبت دارد. کاهش میزان اضطراب در کودکان مبتلا به اختلال اضطراب جدایی همچنین می‌تواند نتیجه طبیعی تغییرات شناختی و فراشناختی ناشی از افزایش مهارت‌های تفکر و استدلال، اعتماد به نفس، رفتارهای تطبیقی در کنار بالا رفتن میزان انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و عملکرد اجتماعی مناسب آن‌ها باشد.

محدودیت‌ها و پیشنهادها

از جمله محدودیت‌های پژوهش می‌توان به: ۱. هم‌زمانی بخشی از زمان اجرای پژوهش با شیوع ویروس کرونا. ۲. خلأ کتاب‌های داستان فلسفه برای کودک با محتوای بومی. بنابراین پیشنهاد می‌شود کتاب‌هایی با مضامین بومی در زمینه فلسفه برای کودک تهیه گردد تا در پژوهش‌های آتی پژوهشگران از این منابع استفاده نمایند، همچنین پیشنهاد می‌شود از نتایج پژوهش حاضر در حوزه‌های آموزشی در مهدهای کودک،

۶۶ | مطالعات روان‌شناسی بالینی | سال یازدهم | شماره ۴۴ | پاییز ۱۴۰۰

پیش‌دبستانی‌ها، مدارس و مراکز مشاوره کودک توسط مربیان، معلمان و مشاورین استفاده گردد.



منابع

- اسماعیل زاده، تیمور؛ الله کرمی، آزاد و موسوی، فرانک (۱۳۹۷). اثربخشی چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C) بر حل مسئله دانش آموزان پایه ششم ابتدایی. نشریه فناوری، ۱۲(۴)، ۳۲۹-۳۳۸.
- اصل مرز، فریرز. (۱۳۹۸). طراحی و آزمون برنامه آموزش فلسفه برای والدین و اثربخشی آن با برنامه آموزش فلسفه برای کودکان در جهت‌گیری هدفی دانش آموزان دختر پایه ششم ابتدایی. *مجله علوم روان‌شناختی*، ۱۸(۴)، ۲۱۴۹-۲۱۶۱.
- جلیلیان، سهیلا؛ عظیم پور، احسان و جلیلیان، فریا. (۱۳۹۵). اثربخشی برنامه آموزش فلسفه برای کودکان بر پرورش توانایی حل‌مسأله و قضاوت اخلاقی در دانش‌آموزان. *فصلنامه پژوهش‌های تربیتی*، ۹(۱)، ۱-۲۳.
- چراغ زاده، مینا؛ کردنوقایی، رسول و سهراب، زهرا. (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر احساس تنهایی و ناامیدی دانش‌آموزان. *دوفصلنامه کودک و نوجوان*، ۱۰(۱)، ۳۷-۵۰.
- چورپیتا، بروس ف. (۱۳۹۵). درمان شناختی رفتاری اضطراب در کودکان: رویکرد واحد پرده-ای، (چاپ دوم). ترجمه کتایون حلمی، تهران: نشر ارجمند.
- حاجلو، نادر؛ رحیمی، سعید و صداقت، مهرناز. (۱۳۹۸). مقایسه‌ی سواد سلامت، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و شخصیت جامعه‌پسند در دانشجویان دختر ورزشکار و غیر ورزشکار. *فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۱۴(۱)، ۴۷-۴۸.
- حبیبی کلیر، رامین؛ فرید، ابوالفضل و محمد زاده، رقیه. (۱۳۹۸). اثربخشی روش اجتماع پژوهشی در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان بر خودکارآمدی اجتماعی دانش‌آموزان. *فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۱۴(۱)، ۶۷-۹۸.
- حسنی، ملیحه؛ بنیسی، پرنیاز و حقیق، سارا. (۱۳۹۸). تبیین افسردگی بر اساس انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و احساس انسجام در مادران دارای فرزند مبتلا به اوتیسم. *فصلنامه رویش در روان‌شناسی*، ۸(۶)، ۱۰۳-۱۱۲.
- حمید، نجمه. (۱۳۹۸). روان‌شناسی مرضی کودک بر اساس DSM-5 (چاپ سوم) تهران: انتشارات ارجمند.

دادستان، پریخ. (۱۳۹۹). روان‌شناسی مرضی تحولی از کودکی تا بزرگسالی (جلد ۱) چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات سمت.

دره زرشکی پور، امید؛ فلاح، محمدحسین و سعیدمنش، محسن. (۱۳۹۸). طراحی داستان‌هایی برای ایجاد گسلش شناختی در برنامه فلسفه برای کودکان و اثربخشی آن بر کاهش علائم اختلال وسواس فکری - جبری کودکان دارای نشانه‌های OCD دوره ابتدایی شهرستان یزد، *دوفصلنامه کودک و تفکر*، ۱۰(۲)، ۱-۳۰.

رستمی، کاوه؛ فیاض، ایراندخت؛ مفیدی، فرخنده؛ ملکی، حسن و بهشتی، سعید. (۱۳۹۸). تأثیر برنامه آموزش فلسفه برای کودکان بر میزان مهارت استدلال دانش آموزان پسر، *فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۱۳(۳)، ۲۳-۳۳.

رضایور میرصالح، یاسر؛ خردمند، طاهره و شاهدی، سمیه. (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش هوش اخلاقی بر عملکرد اجتماعی و مشکلات رفتاری. *فصلنامه اخلاق در علوم رفتاری*، ۱۲(۱)، ۱-۱۲.

رضایی، نورمحمد؛ پادروند، نادر؛ سبحانی، عبدالرضا و رضایی، علی‌محمد. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر اجرای برنامه فلسفه برای کودکان در افزایش خلاقیت و مؤلفه‌های سیالی، انعطاف‌پذیری، ابتکار و بسط. *فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، ۴(۲)، ۱۹-۳۶.

صالح زاده عین‌آباد، زهرا؛ خلیلی، الهه؛ مجتهد زاده، مهشیدو نائینان، محمدرضا. (۱۳۹۷). بررسی انعطاف‌پذیری روان‌شناختی، کنترل، اجتناب و اضطراب و تفاوت‌های جنسیتی در اضطراب. *فصلنامه رویش روان‌شناختی*، ۷(۵)، ۱۲۹-۱۴۶.

طلایی نژاد، فهیمه؛ قنبری، سعید؛ مظاهری، محمدعلی و عسگری، علی. (۱۳۹۵). ویژگی مقدماتی مقیاس سنجش اضطراب جدایی (فرم والدین). *فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۱۲(۴۷)، ۲۲۵-۲۳۵.

عباسی، زهره؛ امیری، شعله و طالبی، هوشنگ. (۱۳۹۴). اثربخشی درمان شناختی رفتاری متمرکز بر واحد پردازش‌های (MCBT) بر کاهش علائم اضطراب جدایی کودکان ۶ و ۷ ساله. *دو فصلنامه روان‌شناسی بالینی و شخصیت*، ۱۳(۲)، ۵۱-۶۴.

اثربخشی آموزش مبتنی بر فلسفه برای کودکان بر...؛ محمدی و همکاران | ۶۹

عبدی، اکبر؛ عربانی دانا، علی؛ حاتمی، جواد و پرند، اکرم. (۱۳۹۳). اثربخشی بازی‌های رایانه‌ای شناختی بر بهبود حافظه کاری، توجه و انعطاف‌پذیری شناختی در کودکان مبتلا به ADHD. فصلنامه کودکان استثنایی، ۱۴(۱)، ۱۹-۳۳.

عسگری، محمد؛ دیناروند، حسن و ترکاشوند، محمدرضا. (۱۳۹۴). تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر تفکر منطقی دانش‌آموزان دختر و پسر سوم راهنمایی منطقه ثامن. فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، ۹(۱)، ۲۵-۴۲.

عیسی مراد، ابوالقاسم؛ نفر، زهرا و فاطمی، فاطمه السادات. (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر همدلی و حل مسئله اجتماعی دانش‌آموزان پنجم ابتدایی. مطالعات روان‌شناسی بالینی، ۹(۴)، ۱۱۷-۱۳۴.

فتحی، لیلا؛ احقر، قدسی و نادری، عزت‌اله. (۱۳۹۷). تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان (P4C) به روش پژوهش مشارکتی بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان. فصلنامه خانواده و پژوهش، ۱۵(۱)، ۷-۱۸.

فرامرزی، سالار؛ بکرایی، سعدی؛ محب‌زاده، مجید؛ آقازارتی، علی و رنجبر، بدر. (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش بازی‌های حرکتی ریتمیک بر اضطراب جدایی کودکان. خانواده درمانی کاربردی، ۱(۳)، ۶۶-۸۳.

فلاح مهنه، تورج؛ یمینی، محمد و مهدیان، حسین. (۱۳۹۷). تأثیر رویکرد محتوایی آموزش فلسفه برای کودکان بر باورهای فراشناختی و تفکر انتقادی دانش‌آموزان ابتدایی. فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۱۱(۳)، ۱۵۷-۱۷۲.

قائدی، یحیی. (۱۳۹۵). مبانی نظری فلسفه برای کودکان، تهران: انتشارات مرآت. قنبریان، مهدی. (۱۳۹۶). اثربخشی تنظیم هیجان بر عملکرد اجتماعی و جرأت‌ورزی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر تبریز در سال تحصیلی ۹۴-۹۵. فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناسی، ۱۲(۳)، ۱۳۷-۱۵۴.

کم، فیلیپ. (۱۹۹۴). داستان‌های فکری ۱ (چاپ چهارم). ترجمه فرزانه شهرتاش و مژگان رشتچی. تهران: انتشارات شهرتاش. (۱۳۹۸).

کم، فیلیپ. (۱۹۹۴). داستان‌های فکری ۲ (چاپ سوم). ترجمه مژگان رشتچی و فرزانه شهرتاش. تهران: انتشارات شهرتاش. (۱۳۹۷).

گات، بریس و گات، موراگ. (۲۰۱۲). فلسفه برای کودکان خردسال راهنمای عملی، ترجمه: ذبیح پیرانی، شکوه السادات بنی جمالی و علی رحمانی. (۱۳۹۵). اراک: دانشگاه آزاد

اسلامی

هدایتی، مهرنوش؛ فائدی، یحیی؛ شفیق‌آبادی، عبدالله و یونسی، غلامرضا (۱۳۸۹). بررسی تأثیر اجرای برنامه فلسفه برای کودکان به صورت اجتماع پژوهشی بر بهبود ارتباطات اجتماعی کودکان، فصلنامه تفکر و کودک شماره ۱، ۸۳-۱۰۲.

هوشمندی، فاطمه و ششمیری، بابک. (۱۳۹۷). تدریس درس علوم پایه اول دوره ابتدایی به روش برنامه آموزش فلسفه برای کودکان. فصلنامه آموزش پژوهی، ۴(۴)، ۱-۱۵

- American Psychiatric Association. (2013). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders (5th ed.)* Washington, D.C.: Author
- Bulbena-Cabre, A., Duñó, L., Almeda, S., Batlle, S., Camprodon-Rosanas, E., Martín-Lopez, L. M., & Bulbena, A. (2019). Joint hypermobility is a marker for anxiety in children. *Revista de Psiquiatria y Salud Mental*, 12(2), 68–76. <https://doi.org/10.1016/j.rpsm.2019.01.004>
- Burgh, G. (2018). *The need for philosophy in promoting democracy: A case for philosophy in the curriculum.*
- Cancer, A., Bonacina, S., Antonietti, A., Salandi, A., Molteni, M., & Lorusso, ML, (2020), The Effectiveness of Interventions for Developmental Dyslexia: Rhythmic Reading Training Compared With Hemisphere-Specific Stimulation and Action Video Games. *Front. Psychol*, 11(4): 1158-1162
- Caukin, N. G., & Brinthaupt, T. M. (2017). Using a Teaching Philosophy Statement as a Professional Development Tool for Teacher Candidates. *International Journal for the Scholarship of Teaching and Learning*, 11(2), 18.
- Di Masi, D., & Santi, M. (2016). Learning democratic thinking: a curriculum to philosophy for children as citizens. *Journal of Curriculum Studies*, 48(1), 136-150.
- D'Olimpio, L., & Teschers, Ch. (2016). Philosophy for Children Meets the Art of Living: A Holistic Approach to an Education for Life. *Philosophical Inquiry in Education*, 23, 2, 114-124
- Hahn, L., Hajinlian, J., Eisen, A. R., Winder, B., & Pincus, D. B. (2003). *Measuring the dimensions of separation anxiety and early panic in children and adolescents: The Separation Anxiety Assessment Scale.* Paper presented at the 37th annual convention of the Association for Advancement of Behavior Therapy, Boston.

- Haynes, A. (2002). *Children as Philosopher*. London & New York: Rutledge Flamer.
- Lipman, M. (1976). 'Can Philosophy for Children be the Basis of Educational Redesign?' *Journal of Social Studies*, 69 (6).
- Lipman, M. (2017). *The Institute for the Advancement of Philosophy for Children (IAPC) program*. In History, Theory and Practice of Philosophy for Children (pp. 3-11). Routledge
- Masuda A, Tully EC(2012) The role of mindfulness and psychological flexibility in somatization, depression, anxiety, and general psychological distress in a nonclinical college sample. *J Evid Based Integr Med*. 17(1):66-71.
- Matson, J. L., Rotatori, A. F., Helsel, W. L. (1983). Development of a rating scale to measure social skills in children: The matson Evaluation of Social Skills with Youngsters (MESSY). *Behavior, Research and Therapy*, 21(4), 335-340.
- Moitra, E., & Gaudiano, B. A. (2016). A psychological flexibility model of medication adherence in psychoticspectrum disorders. *Journal of Contextual Behavioral Science*, 5(4), 252-257.
- Payant, C. (2017). Teaching Philosophy Statements: In Service ESL Teachers' Practices and Beliefs. *TESOL Journal*, 8(3), 636-656.
- Siddiqui, N., Gorard, S., & See, B. H. (2019). Can programmes like Philosophy for Children help schools to look beyond academic attainment?. *Educational Review*, 71(2), 146-165
- Worley, P. (2016). Philosophy and children. *The Philosophers' Magazine*, (72), 119-120
- Yan, S & Lynne Masel, W. Wang, Z. & Chia-Chiang, W (2018). Meta-Analysis of the Effectiveness of Philosophy for Children Programs on Students' Cognitive Outcomes. *Analytic Teaching and Philosophical Praxis*, 39(1).33-13.

استناد به این مقاله: محمدی غلامرضا، پیرانی، ذبیح، زنگنه مطلق، فیروزه. (۱۴۰۰). اثر بخشی آموزش مبتنی بر فلسفه برای کودکان بر انعطاف پذیری روان شناختی و عملکرد اجتماعی در کودکان مبتلا به اختلال اضطراب جدایی، *مطالعات روان شناسی بالینی*، ۱۱(۴۴)، ۴۵-۷۱.

DOI: 10.22054/JCPS.2022.60386.2563



Clinical Psychology Studies is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی